

اَنَا لِلَّهِ و غروبی دیگر...

همکاری به ابدیت پیوست.

همکاری فاضل، متقی، متعهد و پژوهشگر که عمری پر برکت را کنج گاوانه به مطالعه و پژوهش و دل سوزانه به تعلیم و تدریس گذراند.

بتول درزی متولد سال ۱۳۴۱، تحصیلات دانشگاهی خود را به سال ۶۲ با خواندن فلسفه در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران آغاز کرد. در دوران تحصیل جزو دانشجویان برتر دانشکده به حساب می‌آمد اما روح جست‌وجوگرش تنها به این و امثال این بسنده نمی‌کرد و چنین شد که سرانجام به خواندن حقوق قضایی پرداخت ولی گم‌شده‌اش را در جایی دیگر می‌جست و آن‌گاه که به کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی راه یافت با شوق و ولع به پژوهش و کندوکاو در زوایای زبان فارسی پرداخت و به‌عنوان پایان‌نامه، یکی از بحث‌انگیزترین مسایل زبانی، «متمم و انواع آن در زبان فارسی» را پی گرفت و با شوری بیش از حد به فرجام رسانید چنان که با نمره‌ی ۲۰ و درجه‌ی عالی به تصویب رسید.

رسیدن به این مرحله تنها آرزوی جان مشتاق آن همکار بزرگوار نبود؛ در زمینه‌های گوناگون تحقیق‌ها نوشت و برخی از آن‌ها را به چاپ رساند، از آن جمله:

- سخن قطره از دریا؛ رایحه‌ای از گل بوستان
مثنوی، روزنامه‌ی ایران، ۱۳۷۵

- دیدار با دیدار؛ معرفی کتاب دیدار با سیمیرغ،
نوشته‌ی دکتر پورنامداریان، روزنامه‌ی ایران،
۱۳۷۵

- نشانه‌ها، هادیان خاموش؛ نگاهی به کتاب
کیمیگر، نوشته‌ی پائولو کونیلو، روزنامه‌ی ایران،
۱۳۷۵

- سگر و معو، نقد حقوق بشر در جهان امروز و
حقوق جهان در ایران باستان، نوشته‌ی فریدون
جنیدی، روزنامه‌ی ایران، ۱۳۷۹

و سخن آخر آن که مجله‌ی رشد زبان و ادب فارسی بر آن بود تا چکیده‌ی پژوهش‌های گران سنگ وی را که یادگار یک عمر کوتاه اما پربرکت از تلاش‌های علمی اوست برای آگاهی و استفاده‌ی همکاران به چاپ برساند. روزی که شماره‌ی اخیر مجله‌ی رشد با دو نوشته‌ی او؛ «نقدی بر متمم...» و «نقدی بر داستان قاصدک» به چاپ سپرده می‌شد، سوگنامه‌ی وی به دستمان رسید.

فقدان آن زنده‌یاد را به خانواده‌ی بزرگ آموزش و پرورش، خانواده‌ی محترم وی، آموزش و پرورش شهر ری و مرکز استعدادهای درخشان اسلام‌شهر تسلیت می‌گوییم. روانش شاد.



□ تهران - بتول درزی

نقدی بر نام گذاری متمم

متمم (نقدی بر این نام گذاری)

اگر چه به پیروی از نگرش رایج و اصطلاح عام در کتب آموزشی عنوان متمم برای «گروه حرف اضافه‌ای»^۱ برگزیده شده است ولی با پژوهشی، دریافته‌های استادان دیگر این عنوان برای موضوع پژوهش ما (گروه حرف اضافه‌ای) چندان مناسب به نظر نمی‌رسد.

بدین شرح که آن چه ما «متمم» می‌نامیم در کتب دستوری (سنتی و جدید)، با نام‌های گونه‌گون «ادات**»، «گروه قیدی***»، «مفعول غیر صریح****» و ... خوانده شده است. و از سوی دیگر چنان که خواهیم دید اصطلاح «متمم» از

نظر عده‌ای از پژوهشگران در دستور (سنتی و جدید)، در برگیرنده‌ی موارد متعددی از مقولات گونه‌گون دستوری (از بدل گرفته تا قید و مضاف الیه و حتی مفعول صریح) است تاجایی که نام آن‌ها (با وجود مصادیق گونه‌گون) تنها یک تشابه را برای خواننده خاطر نشان می‌سازد.

متمم نامی فراگیر: متمم در لغت به معنی «تمام کننده» است. همان طور که می‌دانید متمم، اصطلاح رایج و آشنایی برای «جایگاه گروه حرف اضافه‌ای» در جمله است و در بیشتر کتب دستور زبان، این نظر عام، ساری است.

با وجود این عده‌ای از دستورنویسان این نام را به جایگاه‌ها و نقش‌های

گونه گونی در جمله نسبت داده اند.
نمونه:

در کتاب «دستور جامع زبان فارسی»^۲
چنین آمده است:

«فعل‌هایی از مصدر بودن، هستن، شدن و... با اینکه لازم هستند چون افعال متعدی نیازمند مفعول و متمم^۳ هستند. این افعال با متمم آن‌ها شبیه افعال مرکب هستند.

مثال: آن جوان از تشویق آموزگار
کوشا شد.»^۴

نویسنده‌ی کتاب «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی»^۵، «متمم» را جایگاه کارکرد «گروه اسمی» دانسته است. «متمم» از نظر ایشان شامل مفعول بی واسطه و مسند و... می‌شود.

نویسنده‌ی «کتاب دستور زبان فارسی»^۶ از متمم مفعولی (تمیز) و متمم فاعلی یاد می‌کند که با افعال ناقص چون پنداشتن و بایستن می‌آید.

در کتاب «کلمه و کلام»^۷ از هرچه تمام‌کننده‌ی معنی فعل و واژه‌های دیگر است چون بدل، مضاف الیه، قید و... تحت عنوان «متمم» یاد شده است.

جایگاه «گروه حرف اضافه‌ای» تحت عناوین گونه‌گون

در کتاب‌های دستور زبان جایگاه «گروه حرف اضافه‌ای» با نام‌های گونه‌گونی خوانده شده است. در جمع بندی این نام‌ها به موارد زیر برخورد می‌کنیم:

- جایگاه گروه حرف اضافه‌ای = متمم: بسیاری از دستوریان از این اصطلاح بهره‌جسته‌اند. نمونه: «متمم یا متمم فعل، اسم یا کلمه‌ی دیگری است که همراه حرف اضافه به فعل نسبت داده شود.»^۸

«متمم یک یا چند کلمه یا عبارتی است که بایکی از حروف اضافه به جمله می‌پیوندد و توضیحی به مفهوم فعل می‌افزاید.»^۹

با بررسی کتب دستوری در می‌یابیم که این اصطلاح فراگیرترین نامی است که جایگاه گروه «حروف اضافه‌ای» به آن نامیده شده است.

برای جلوگیری از تکرار، از نقل قول مستقیم و ارائه‌ی گفته‌های مشابه دستورنویسان می‌پرهیزیم و خوانندگان عزیز را به منابع ارائه شده ارجاع می‌دهیم.^۹

- جایگاه گروه حرف اضافه‌ای = ادات: در کتاب «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی» از این اصطلاح بهره گرفته شده است، بدین قرار:

«تمام گروه‌هایی که با حرف اضافه شروع می‌شوند از نوع گروه‌های قیدی هستند و جایگاه «ادات» را در ساختمان «بند» اشغال می‌کنند.»^{۱۰}

- جایگاه گروه حروف اضافه‌ای = مفعول غیرصریح (با واسطه): عده‌ای از پژوهشگران نیز از این جایگاه تحت عنوان مفعول غیرصریح یاد کرده‌اند. به موارد زیر توجه کنید:

«مفعول غیرصریح اسمی است که فعل، به واسطه‌ی یکی از حروف اضافه بر او واقع شود، مانند خورشید در جمله‌ی ماه‌روشنایی خود را از خورشید می‌گیرد.»^{۱۱}

دکتر محمد جواد شریعت برای این جایگاه از نام مفعول به واسطه بهره‌جسته‌اند و آن را برابر با متمم آورده‌اند. (متمم = مفعول به واسطه).^{۱۲}
در کتاب «دستور زبان فارسی

پنج استاد» می‌خوانیم «مفعول به واسطه آن است که معنی فعل را به واسطه‌ی حرفی از حروف اضافه تمام کند.»^{۱۳}
در این کتاب نیز مفعول به واسطه با متمم برابر گرفته شده است.

در کتاب «دستور جامع زبان فارسی» نیز از این جایگاه تحت عنوان مفعول غیرصریح یاد شده است. نویسنده تحت تأثیر زبان عربی برای آن انواعی به قرار زیر قایل شده است:

«مفعول دو نوع است: مفعول مستقیم و مفعول غیرمستقیم یا با واسطه که خود عبارت است از مفعول فیه، مفعول منه، مفعول به و مفعول معه.»^{۱۴}

«دستور زبان فارسی امروز» ضمن بهره‌گیری از این اصطلاح از سه گروه مفعول به واسطه یاد می‌کند. (مفعول به ای، مفعول بایی و مفعول ازی).^{۱۵}

در کتاب «دستور زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری» از یک نوع متمم تحت عنوان مفعول به واسطه یاد شده است.^{۱۶} با ژرف‌نگری در تعاریف فوق و نمونه‌های ارائه شده از جانب ایشان به نظر می‌رسد از این اصطلاح به عنوان عنصر ضروری جمله سخن به میان آمده است.

- جایگاه گروه حرف اضافه‌ای = متمم
در جایگاه توضیح دهنده

گروه حرف اضافه‌ای در نقش افزاینده نزد بیشترین دستوریان، متمم خوانده شده است. نمونه‌هایی از آن:

«از راه‌های گسترش جمله افزودن متمم فعل به جمله است.»^{۱۷}

«متمم می‌تواند تمام‌کننده‌ی مفهوم هر یک از عناصر جمله باشد.»^{۱۸}
این جا سخن از متمم اختیاری است که عده‌ای آن را، معادل متمم قیدی فرض

کرده اند.

نمونه:

«متمّم قیدی، گروه اسمی یا اسمی است که به یاری حرف اضافه نقش قید را بازی می کند یعنی چیزی بر معنی فعل می افزاید.»^{۱۹}

«در زبان ما بسیاری از قیدها را، متمّم ها و متعلقات آن ها می سازد.»^{۲۰}
در مقاله ی «متمّم چیست» نیز متمّم قیدی برابر با متمّم اختیاری فرض شده است. بدین قرار:

«در حقیقت آن چه سبب شد که دستورنویسان، تمایزی میان متمّم فعل (مفعول با واسطه = متمّم اجباری) با متمّم قیدی (متمّم اختیاری) قایل نشوند، دو عامل بوده است.»^{۲۱}

دکتر مشکوة الدینی نیز یکی از جایگاه های گروه حرف اضافه ای را قید (متمّم قیدی) دانسته اند.^{۲۲}

- جایگاه گروه حرف اضافه ای = متمّم ارکان دیگر جمله: پاره ای از دستوریان جایگاه گروه حرف اضافه ای را متمّم اجزای دیگری غیر از فعل نیز دانسته اند. در کتاب «دستور کاربردی زبان فارسی» از متمّم قید و مسندالیه و صفت و مسند و ... یاد شده است.^{۲۳}

در نظر دکتر محمد جواد شریعت، نیز متمّم اجزای دیگر، یکی از حالات «گروه حرف اضافه ای» است.^{۲۴}

در همین راستا در کتاب «گفتارهایی درباره ی دستور زبان» از قید تفضیلی و متمّم آن یاد شده است. «متمّم قید تفضیلی با وابسته های خود، گروه اسمی می سازد که گاه پیش از قید می آید. مانند: از این بیشتر کار نمی کنم.»^{۲۵}

- جایگاه گروه حرف اضافه ای = متمّم فعل با انواع و درجات گونه گون: دیدیم گاه در یک کتاب «جایگاه گروه حرف اضافه ای» تحت چند عنوان آمده است. عده ای، نام های گونه گونی را برای آن ذکر

کرده اند. گاه آن نام ها را مترادف و برابر هم آورده اند. (متمّم = مفعول به واسطه).

بعضی نیز تحت یک نام (متمّم) برای آن انواع و درجات گونه گون قایل شده اند. از جمله دکتر فرشید ورد، در کتاب «جمله و تحوّل آن در زبان فارسی» (فصل نخست - جمله های بسیط)، از متمّم لازم (اجباری) سخن گفته اند و در کتاب «گفتارهایی درباره ی دستور زبان فارسی»، از متمّم قیدی و در فصل های بعد از آن از متمّم قید تفضیلی (به عنوان رکن اختیاری) یاد کرده اند.

نمونه ی دیگر:

در «دستور زبان فارسی بر پایه ی نظریه ی گشتاری» از انواع متمّم فعل سخن به میان آمده است.^{۲۶}

این گونه ها بدین قرار است:

- متمّم قیدی: او به خانه رفت.

- متمّم (مفعول به واسطه): او کتاب را به علی داد.

- متمّم اختیاری که با فعل ناگذر می آید: پروین با زهرا آمد.

- «متمّم شخصی که به همراه فعل مرکّب به کار می رود و از لحاظ معنایی متمّم مذکور هدفی را که فعل به سوی آن اشاره می کند نشان می دهد. از همین روی به آن «متمّم شخصی گفته می شود. مثال: ما به دشمن ضربه می زنیم. احمد به علی کاری ندارد.»^{۲۷}

- «متمّمی که از لحاظ معنایی به ابزار و یا وسیله ای که فعل به همراه آن به وقوع می پیوندد اشاره می کند مثال: بعضی از مردم با کشتی مسافرت می کنند.»^{۲۸}
- «متمّم دیگر از روابط «ژرف ساختی» و در نتیجه معنایی به فاعل (عامل) و یا منشأ فعل اشاره می کند.

نمونه: دشمن از ما فریب خورد.

که می توان آن را به صورت ما «دشمن را فریب دادیم»، در نظر گرفت.^{۲۹}

در کتاب «دستور کاربردی زبان فارسی» نیز از متمّم اجباری و اختیاری

سخن به میان آمده است.^{۳۰}

دکتر محمد جواد شریعت از قوت و ضعف متمّم سخن گفته اند که در ارتباط با ضعف و قوت فعل (از جهت معنایی) است و همین امر را اساس تفاوت آن با مفعول به واسطه دانسته اند. از نظر ایشان گاه متمّم آن قدر شدّت دارد که جزء لاینفک فعل می شود مانند: «از این ملاقات نتایج زیادی به دست آورد.» و گاه این متمّم ضعیف تر است، طوری که جزء لاینفک فعل نیست و دست نویسنده برای گزینش کلمه ی دیگر باز است. اما بدون این ترکیب و امثال آن هم جمله تمام نیست. به جمله ی زیر دقت کنید:

«تلفات ارتش عراق در جنگ با کردها به ده هزار نفر رسید.»

اما زمانی متمّم حالت ضعیف تری پیدا می کند مانند: «کارخانه ها باید در سه سال سهام خود را به مردم بفروشند.»

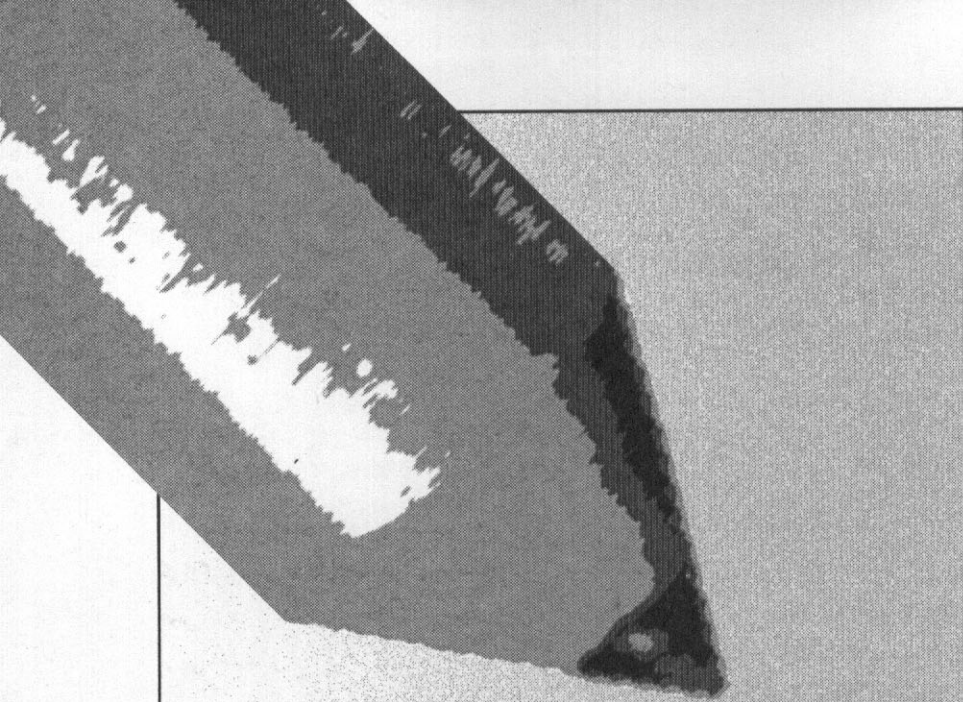
ایشان بدین ترتیب هر چند که در آغاز متمّم را با مفعول به واسطه (به پیروی عده ای از دستوریان) یکی گرفته اند، سپس از یکی دانستن آن ها سرباز زده اند.

نمونه های بالا، تنها جلوه هایی از گونه گونی آرای دستور نویسان را در این زمینه به نمایش می گذارد. این جا است که برای رهایی از این پراکندگی ها نیاز به جداسازی «جایگاه گروه حرف اضافه ای» در موقعیت های گونه گون و ارائه ی ملاک تشخیص برای هر مورد و نام گذاری ویژه برای هر یک احساس می شود.

تعیین جایگاه گروه حرف اضافه ای در جمله

نیاز یا قابلیت؟

در توجیه چرایی وجود متمّم فعل و ... در جمله از دو نظر گاه برخوردار شده است. عده ای دلیل آن را در قابلیت متمّم پذیری افعال، اسامی و ... دانسته اند.^{۳۱} نتیجتاً آن را رکنی فزاینده و توضیح دهنده (مانند قیدها) فرض کرده اند. زیرا قابلیت به عنوان



توانایی در همه‌ی موارد ضرورت نمی‌آفریند بلکه ثمره‌ی آن امکان بروز است. تعدادی دیگر از پژوهشگران، از جایگاه نیاز افعال، اسامی، و ... به گروه حرف اضافه‌ای مسأله را بررسی کرده‌اند که نیاز، یقیناً ضرورت و لزوم می‌آفریند.

حتی بعضی از آنان^{۳۲} برای این نیاز، درجاتی قابل شده‌اند.

بدین ترتیب در این مورد نیز - چون موارد دیگر - استدلال‌ها در تقابل با هم است اگرچه هر کدام در جایگاه خود قابل بررسی و دفاع است.^{۳۳}

در این جا با مسأله‌ای اساسی مواجه می‌شویم که ذهن پژوهشگران را به خود مشغول داشته است و آن مسأله عبارت از این است که - آیا «گروه حرف اضافه‌ای» در جمله رکن اصلی و ضروری به شمار می‌آید یا صرفاً نقشی توضیح دهنده (چون قید) دارد؟ که خود محوری مستقل را تشکیل می‌دهد.

گروه حرف اضافه‌ای - رکن ضروری جمله

در نقشی فزاینده و توضیح دهنده

این واحد زبانی^{۳۴} (حرف اضافه + اسم) گاه در جمله‌ای کوتاه^{۳۵} به عنوان عنصری لازم جای می‌گیرد و گاه در جمله‌ی گسترده^{۳۶} جهت توضیح بیشتر مفهوم جمله می‌آید. در صورت نخست حذف آن زبان اساسی به جمله وارد می‌سازد. در مورد دوم نقشی توضیحی را می‌پذیرد که اگر از جمله حذف شود زبان اساسی به مفهوم آن نمی‌رساند.

اما متأسفانه این مهم از نظر عده‌ای از پژوهشگران پنهان مانده است و به طور کلی برای آن نقش توضیح دهنده قابل شده‌اند. (بی‌آن که به جایگاه نخست گروه حرف اضافه‌ای نیز نظری کنند.)^{۳۷}

گروهی که به آن پرداخته‌اند نیز رویه‌ی واحدی را (در تعیین ملاک تشخیص این دو از هم و مصداق‌های هر یک و نام گذاری، ...) در پیش نگرفته‌اند.

بی‌نوشت

- ۱- حرف اضافه + اسم
- ۲- همایون فرخ، عبدالرحیم، ص ۱۰۱۳.
- ۳- «مستند» در اصطلاح رایج مدنظر است.
- ۴- باطنی، محمدرضا، ص ۷۵.
- ۵- خیامپور، عبدالرسول، ص ۷۰۷۱.
- ۶- سلطانی گرده‌راسری، علی، صص ۱۶۶-۱۷۳.
- ۷- انوری، حسن - احمدی گیوی، حسن، دستور زبان فارسی، ص ۱۲۱.
- ۸- نائل خانلری، پرویز، دستور زبان فارسی، صص ۸۱-۸۳.
- ۹- فرشید ورد، خسرو، «جمله و تحول، آن در زبان فارسی» فصل نخست، جمله‌های بسیط فعلی، صص ۱۱۵-۱۳۹.
- ۱۰- مشکوة الدینی، مهدی، دستور زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری، ص ۸۵.
- ۱۱- از رنگ، غلام‌رضا، دستور زبان امروز، ص ۵۶.
- ۱۲- قریب، عبدالعظیم و دیگران، «دستور زبان فارسی»، ص ۱۹۲.
- ۱۳- باطنی، محمدرضا، ص ۷۷.
- ۱۴- خیامپور، عبدالرسول، دستور زبان فارسی، ص ۴۲.
- ۱۵- دستور زبان فارسی، صص ۳۵۴-۳۶۰.
- ۱۶- قریب، همان، ص ۳۸.
- ۱۷- همایون فرخ، عبدالرحیم، ص ۱۰۳۷.
- ۱۸- ارزنگ، غلام‌رضا، صص ۳۷-۴۰.
- ۱۹- ص ۱۳۱.
- ۲۰- «دستور زبان فارسی امروز»، ص ۵۶.
- ۲۱- «دستور کاربردی زبان فارسی»، ص ۸۷.
- ۲۲- فرشید ورد، خسرو، «گفتارهایی درباره‌ی دستور زبان»، ص ۵۴.
- ۲۳- انوری، حسن - احمدی گیوی، حسن، دستور زبان فارسی، ص ۲۲۶.
- ۲۴- وحیدیان کامیار، نفی، مقاله‌ی «متشتم چیست»
- ۲۵- دستور زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری، ص ۱۲۶.
- ۲۶- دستور کاربردی زبان فارسی، ص ۸۷-۹.
- ۲۷- «دستور زبان فارسی»، ص ۳۵۸.
- ۲۸- فرشید ورد، خسرو، ص ۷۰.
- ۲۹- مشکوة الدینی، مهدی، صص ۱۳۴-۱۳۰.
- ۳۰- همان، ص ۱۳۲.
- ۳۱- همان، ص ۱۳۳.
- ۳۲- همان، ص ۱۳۴.
- ۳۳- دستور کاربردی زبان فارسی، ص ۸۷-۹ نقل به مضمون.
- ۳۴- ک «مبانی علمی دستور زبان فارسی» صص ۱۱۰-۱۰۷.
- ۳۵- شریعت، محمدرضا، «دستور زبان فارسی» صص ۳۵۵-۳۵۶.
- ۳۶- استدلال اولگ توجه مناسبی است برای وجود متمم‌های اختیاری و قیدها و هر عنصر توضیح دهنده‌ی دیگر در جمله و استدلال دوم، توجه‌گر متمم‌های اجباری است.
- ۳۷- گروه حرف اضافه‌ای.
- ۳۸- جمله‌ی کوتاه تنها در برگزیده‌ی ارکان اصلی جمله است.
- ۳۹- در جمله‌ی گسترده عناصر فرعی چون قید، مضاف الیه، مکمل و ... می‌آید.
- ۴۰- از جمله‌ی این بزرگان می‌توان «دکتر محمدرضا باطنی»، «دکتر خانلری» و «دکتر حسن انوری» را نام برد.

* prepositional phrase

** Adjunct

*** Adverbial phrase

**** Indirect object

■ مقعول کجاست؟ تشبیه آموزش‌کار چه نقشی دارد؟ مجله‌ی رشد